



آرشه

ابتکاری نو در موسیقی ایران

صدای تار دیجیتال

هوشنگ سامانی



■ سال‌های آغازین دهه ۱۹۹۰ میلادی را می‌توان سرآغاز تولید موسیقی با رایانه‌های شخصی به حساب آورد. پیشتر از این، موسیقی رایانه‌ای با دستگاه‌های غیرخانگی وجود داشت ولی در دسترس همگان نبود و تا حدی تخصصی می‌نمود. از آن پس به کمک انواع نرم‌افزارها، بسیاری از علاقه‌مندان موسیقی، این امکان را یافتند تا بدون سناز و ابزار و شمار زیادی از نوازندگان، تجربه‌های آهنگسازی خود را با کمترین هزینه، پشت رایانه شخصی‌شان صورت دهند. از نخستین نرم‌افزارهای ساز و ابزار و شمار زیادی از نوازندگان، تجربه‌های آهنگسازی می‌توان به Encore اشاره کرد که از سال ۱۹۹۱ میلادی وارد بازار شد و تا ۱۹۹۵ چند نسخه‌اش به دست علاقه‌مندان رسید،ولی صاحبان این نرم‌افزار در میانه راه، آن را وانهادند و دیگر به روز نشد. Encore اگرچه در مقایسه با محصولات امروزی چیزی شبیه به اسباببازی است، ولی در زمان خودش خیلی موفق بود. امکان اجرای چندین ملودی به‌صورت هم‌زمان؛ همچنین داشتن حدود ۱۲۸ ساز غربی به صورت MIDI فرصت ارزشندی بود تا آهنگسازان پیش از هر هزینه‌ای، کار خود را به صورت شنیداری محک بزنند. رقابت تولیدکنندگان نرم‌افزار منجر به پیدایش ده‌ها نمونه مختلف شد که از آن میان فقط تعداد محدودی در بازار ایران به شهرت رسیدند. برای نمونه می‌توان به Cakewalk Pro Studio, 4. Final و Sibelius اشاره کرد. وجه مشترک همه اینها نداشتن امکاتی برای تولید صداهای کمتر از نیم‌برده بود. یعنی نامی نتوانستیم بیات‌تر که، افشاری، سه‌سازه و مخالف سه‌سازه را در این نرم‌افزارها تجربه کنیم.

ورود نرم‌افزار Harmony Assistant به بازار موسیقی این نوید را به علاقه‌مندان موسیقی شرقی داد تا با کمک آن بتوانند فواصل کمتر از نیم‌برده را نیز تولید کنند.این محصول که بر اساس ساختار فواصل موسیقی کلاسیک عثمانی (ترکیه) و عربی طراحی شده بود، در عمل اگرچه نسبت به سایر محصولات مشابه برای تولید موسیقی ایرانی مفید بود، ولی از آنجا که نوع فواصل با نوسب‌های ایرانی فاصله محسوسی داشت، به نوبی با گوش ما بیگانگی می کرد و نکته مهم اینکه از نظر سونوریته ساز، همچنان همان صدای سازهای غربی را در خود داشت و فقط یک ماندولین به آن اضافه شده بود.

خیلی علاقه‌مندان و موسیقاندان حرفه‌ای همواره این پرسشی را از یک‌دیگر می‌پرسیدند که آیا نرم‌افزاری، ویژه موسیقی ایرانی تولید شده است؟ و هر بار این پرسشی بی‌پاسخ می‌ماند. اینک پس از سال‌ها انتظار و در عین آنکه تقریباً کسی از اهل موسیقی ایرانی انتظار نداشت، شرکت تحقیقاتی صوت‌آذین با سسال‌ها پیشینه تولید محصولات موسیقایی نتوانست نخستین نرم‌افزار آهنگسازی موسیقی ایرانی را با نو منوی (Menu) فارسی و انگلیسی به بازار موسیقی ایران و جهان عرضه کند. محصول جدید صوت‌آذین با نام اختصاصی آهنگساز فارابی (Farabi Co –poser) در حال حاضر این‌قابلیت را دارد که صدای تار و کمانچه شبیه‌سازی شده را باکیفیتی نزدیک به صدای واقعی این دو ساز به گوش مخاطب مشکل‌پسند ایرانی برساند. همه مضراب‌ها و

آرشه‌های ممکن در این دو ساز نمونه‌برداری شده‌اند و آهنگساز باتجربه می‌تواند در جمله‌بندی‌های خود از آرتیکولاسیون‌های مختلف بهره بگیرد. برای مثال ۱۰ آرتیکولاسیون تار به این ترتیب‌اند: مضراب راست، چپ، ریز، ویبره، انگشت‌گذاری می‌مضراب، استاکاتو راست، استاکاتوی چپ، دراب، سیم کندن و مضراب شلال. همچنین برای کمانچه ۱۲ آرتیکولاسیون آرشه ساده راست، آرشه ساده چپ، آرشه اکسپرشن (expression) راست، آرشه اکسپرشن چپ، آرشه مارکاتوی راست، آرشه مارکاتوی چپ، استاکاتوی راست، استاکاتوی چپ، ترمولو، پیتریکاتو، آرشه پد و آرشه دراب وجود دارد. نقش نوازنده چه می‌شود؟ همواره این بحث میان سنتن‌گرایان و تکنیک‌مداران وجود داشته است که آیا ماشین جای نوازنده را خواهد گرفت یا نه و بسیار صحبت‌های موافق و مخالف در پی آن گرفته‌اند و شنیده‌اند. شاید از این نظر، نرم‌افزار آهنگساز فارابی نیز گرفتار همین گفت‌مان‌ها باشد، ولی واقعیت همانند خورشید، روشن‌تر از هر صحتی است. کاری که یک نوازنده می‌کند به هیچ شکلی در ماشین تکرار نخواهد شد و کاری که ماشین می‌کند نیز ارزش خود را دارد و اساساً قابل مقایسه با کار آدمیزاد نیست. بر این اساس، نرم‌افزار آهنگساز فارابی نه رقیب نوازنده ایرانی که در واقع عصای دست آهنگساز ایرانی است تا‌فارغ از هزینه‌ها و فرصت‌های کم زندگی ماشینی، در خلوت خویش به جرح و تعدیل آثارش بپردازد. این نرم‌افزار اگرچه قابلیت اجرای تکنواری سازهای ایرانی را دارد، ولی هدف اولیه در آن، تولید موسیقی آکرستی با طعم و رنگ سازهای ایرانی و غربی بوده است.

■ برای خواننده‌های که موسیقی سنتی می‌خواند و تحصیلات خود را در موسیقی روز دنیا ادامه داده، کار با ارکستر سمفونیک، فرصت خوبی است تا تمام تجربیاتش را پیاده کند. با این جمع‌بندی موافقت؟

من قبلاً با ارکستر سمفونیک کار کرده بودم و با ارکستر سمفونیک ارمنستان کنسرت داشتم. دو سال پیش با ارکستر سمفونیک تهران به رهبری آقای صهبایی کنسرت داشتم و بی‌تجربه نبودم. در سال ۷۰، ما یک ارکستر ملی تقریباً ۳۵ نفره را تشکیل داده بودیم که سرپرستش مهیار فیروزبخت بود و کنسرت‌های زیادی را در سطح ایران برگزار کردیم.

■ البته منظورم به عنوان خواننده نبود؛ بلکه جایگاه شما به عنوان آهنگساز در کار با ارکستر سمفونیک…

آهنگسازی امروزه حالت گلخانه‌ای پیدا کرده و آهنگساز، یک اثر را می‌نویسد و این اثر مستقیماً ضبط می‌شود و خیلی از صاها در ضبط، آن‌طور که آهنگساز می‌خواهد در میکس در نمی‌آید ولی در اجرای زنده همه سازهایی که نوشته شده با همان حجم در ارکستر سمفونیک وجود دارد. مضراب بر اینکه به خاطر مسایل اقتصادی شاید مثلاً به جای اینکه ویلن اول پنج تا باشد، سه‌تا به کار ببرید. اما در ارکستر سمفونیک تمام چیزهایی که می‌خواهید در دست شماست و ارکستر سمفونیک بهترین جا برای محک‌زدن شماست تا ببینید کاری را که نوشته‌اید چه صدایی دارد.

■ **چطور شد که با خانم ملیحه سعیدی و گروه نی‌ریز همکاری کردید؟**

ما یکسری کارهای مشترک طی این سال‌ها داشتیم و این کنسرت قرار است در کانادا و آمریکا ادامه پیدا کند و مجموعه‌ای است از کارهای خانم سعیدی و من که یکسری از آنها برای آلبوم «غوغای جان» است که در آن چند آهنگ قدیمی از مرحوم وزیری را خوانده بودم و چند کار از خانم سعیدی که با اشعار استاد شهریار است.

■ **رپرتواز (برنامه) کنسرت‌تان را چگونه تنظیم می‌کنید؟**

ما معمولاً سعی می‌کنیم یک مدعی‌ای کارها بگیریم تا کارها برای کنسرت مناسب باشد. یکی از معضلاتی که الان در موسیقی کنسرت‌های ایرانی وجود دارد، این است که رپرتوارهایی که آهنگسازان ارایه می‌دهند برای مردم جذاب نیست و آنها با خستگی از سالن بیرون می‌آیند و من سعی می‌کنم بین کارهای سنگین و کارهایی که یکمقدار کنسرت‌تر است، تعادلی برقرار کنم تا یک خاطره خوش از یادمان نماند. آهنگسازان ایرانی باید به قسمت‌های مرهمی، قسمت‌های اصلی و سنگین هم ارایه‌ها.

■ **کنسرت کانادا و آمریکا برای چه زمانی است؟**
تقریباً از بیستم تیر؛ در کانادا شروع می‌شود در شهرهای اتووا، تورنتو، مونترال و ونکوور و در آمریکا در لس‌آنجلس، تگزاس و دالاس با مدیریت آقای خوش‌زبان ادامه دارد.

■ **گفته بودید که مجوز نمی‌دهند تا در ساری کنسرت برگزار کنید…**

در ساری به هیچ‌کس مجوز نمی‌دهند یا سخت مجوز می‌دهند.

■ **چه مشکلی وجود دارد؟**

منی‌نامم باید بروید ساری و از آنها بپرسید. حتی قبل از این دوره ریاست جمهوری در دوره قبل هم از طریق معاونت هنری وزارت ارشاد، آن موقع آقای ابوندد بودند یک رایزنی شده بود که ما در ساری کنسرت بدهیم اما در نهایت ایشان هم با من تماس نگرفتند و مشخص شد ایشان هم نتوانسته بودند حرف‌شان را به کرسی بنشانند.

■ **آیا بستگی به مسوولان محلی دارد یا ارشاد یا نهادهای دیگر؟**

گویا نهادهای دیگری دست‌اندرکار تصمیم‌گیری در حوزه موسیقی هستند. عموماً برگزاری کنسرت موسیقی در مازندران دچار مشکل می‌شود.

■ **آیا در مازندران موسیقی محلی اجرا می‌شود؟**

آن چیزی که باید باشد، نیست. برای مراسمی از من دعوت کرده بودند که برای خیرین ساری برنامه اجرا کنم. ابتدا یک مقدار گارد گرفتم که نرم، اما بعد فکر کردم باید از هر گونه مشارکتی برای معرفی موسیقی در شهرستان‌ها استقبال کنم و رفتم و با نوازندگان خود در ساری برنامه اجرا کردم و از همکاری با آنها لذت بردم. جوانانی که بین ۲۰ تا ۳۰ سال بودند خوب ساز زدند و حرفه‌ای بودند؛ نت خوب، احساس خوب، اما متأسفانه می‌دانم این اولین و آخرین کنسرت‌شان برای دو یا سه سال آینده خواهد بود. درحالی که این جوانان آقدر روی آن ساز زحمت کشیده و بااستاد خوب کار کرده‌اند که باید در طول سال ده‌ها کنسرت برگزار کنند.

■ **این اولین کنسرت شما در ساری بود؟**

یکبار هم بزرگداشت آقای دنوی در سال ۷۰ بود که امشب بزرگداشت‌شان بود و درفش فوت کردند. بعد از آن هم کنسرت‌های بزرگی داشتم در سالن سیدرسول حسینی با جمعیت پنج هزار نفری که در سال‌های ۷۲ و ۷۳ بود و با گروه صبا و رودکی به سرپرستی مرحوم فرهادپور و آقای فیروزبخت چند شب کنسرت داشتیم. همین‌طور در آن سال‌ها آقای شجریان و شهرام ناظری آنجا کنسرت داشتند و کنسرت‌های خیلی خوبی برگزار شد. ما متوقف شد.

■ **مشکل اجرا در ساری، فقط مربوط به مجوز است؟**

ساری اصلاً سالن ندارد و آن سالنی هم که ما برنامه اجرامی کردیم، سالن تربیت‌بدنی دو، سالن رسول حسینی و دیگر سالن‌های ساری هم که با ۵۰ نفر گنجایش برای کنسرت مناسب نیست.

موسیقی

گفت‌وگو با عبدالحسین مختاباد، خواننده

وردخوانی برای شکستن طلسم‌ها



مرجان صائمی: انتشار آلبوم «سایه دوست» و کنسرت اخیر عبدالحسین مختاباد در برج میلاد و کنسرت‌های آتی وی در کانادا و آمریکا و ترجمه کتابی درباره موسیقی پست‌مدرن، همه بهانه ما بود تا گفت‌وگویی داشته باشیم با او درباره معضلاتی که گریبان‌گیر موسیقی در جامعه ایرانی است؛ از عدم صدور مجوز برای کنسرت گرفته تا سیستم ضعیف بخش موسیقی در ایران. یکی از جالب‌ترین نکات گفت‌وگوی ما، تأثیرات رسانه ملی بر موسیقی ما بود و راهکارهایی که عبدالحسین مختاباد برای رفع مشکلات در حوزه موسیقی و حتی ایجاد فرصت‌های شغلی و… ارایه داد. مختاباد از روز هشتم ژوئیه (۱۷ تیر) با گروه موسیقی نی‌ریز به سرپرستی ملیحه سعیدی تور موسیقی خود را در چند شهر کانادا به صحنه خواهد برد. او از معدود خوانندگانی است که بیشترین همکاری را با گروه‌های موسیقی به سرپرستی بانوان هنرمند ایرانی داشته است. سال گذشته هم به همراه آذر هاشمی کنسرتی را در پاریس اجرا کرد. گفت‌وگویمان را با این خواننده در ادامه می‌خوانید.

■ **خب همان سالن رسول حسینی که هست…**
بعدها یک قانونی گذاشتند که تربیت‌بدنی حق واگذار کردن سالن‌هایش را برای برگزاری کنسرت ندارد و این داستان تا امروز ادامه دارد. از سالل ۷۶ تا اسماال که حدود ۱۶- ۱۵ سال می‌شود.

■ **می‌خواهم بدانم مشکل مربوط به نبودن سالن است یا اصولاً با برگزاری کنسرت مشکل دارند؟**
نه می‌گویند نباید کنسرت برگزار شود حتی من شنیده بودم که عده‌ای گفته‌اند وقتی این آقایان کنسرت می‌دهند، شلوغ می‌شود و وقتی جمعیتی می‌خواهند از در برزند بیرون، زن‌ها و مردها به هم می‌خورند، تکلیف شرعی آن بر عهده کیست؟! که من هم در پاسخ گفتم در نماز جمعه هم این اتفاق می‌افتد تکلیف شرعی آن بر عهده کیست؟ من فکر می‌کنم با این نوع تفرکات به ضرر خودشان حرکت می‌کنند؛ چون همیشه این را گفت‌ه‌ام الان حاکمیت، موسیقی ایرانی را قبول دارد و این نوع موسیقی است که با قواعد فرهنگی حاکم سازگار است. دولت از آن حمایت می‌کند و برای موسیقی بودجه می‌گذارد؛ ولی این موسیقی برای اجرا در داخل دچار مشکل است. در عین حال، آن نوع موسیقی‌ای که مورد قبول نیست، تباری به مجوز ندارد و در همه جا اجرا می‌شود. در همان شهر ساری موسیقی زیرزمینی اجرا می‌شود که متأسفانه چه در کلام و چه در ملودی رویکرد بسیار مبتدلی دارد. این سوال برای خیلی‌ها باقی می‌ماند که ۳۰ سال است در شهر ساری یک سالان حتی هزارنفره ساخته نشده است. شهری که قبل از انقلاب سه‌الی چهار سینما داشته، اما در حال حاضر یک سینما دارد. حتی من جایی خواندم که سینماهای شهر، مغروبه شده و محل تردد متندان است. سینما مولن‌روژ، ایران و فردوسی، همه خراب شده‌اند و فقط سینما سپهر مانده. شهری که ۳۰ سال پیش ۴۰۰ هزار جمعیت داشته، این‌ها امکانات را دارا بوده. حالا که حدود یک میلیون نفر جمعیت دارد همان امکانات را هم ندارد و امکانات فرهنگی آن یک‌دهم شده است.

■ **و خیلی جالب است که معروف‌ترین خواننده موسیقی سنتی اجازه ندارد در شهر خودش کنسرت بدهد!**
من برای خودم نمی‌گویم. مشکل من بیشتر این است که این همه هنرمندان خوب در ساری است که اساتید برجسته و توانمندی هستند. قدر خوب بود که می‌شد این امکانات فراهم باشد تا من به نوبی با آنها تعامل داشته باشم و با هم کار کنیم و خارج از ایران کنسرت برگزار کنیم و من سعی می‌کنم بین کارهای سنگین و کارهایی که یک‌مقدار مردهمی‌تر است، تعادلی برقرار کنم

■ **شما راجع به جامعه‌شناسی موسیقی در رسانه مقاله دارید. لطفاً راجع به تأثیر رسانه بر موسیقی توضیح دهید؟**

موسیقی در رسانه چند حالت دارد. ۱- موسیقی زمینهای «صلی» ۲- موسیقی افکتیو ۳- موسیقی پس زمینه به نظر من موسیقی در رسانه ملی ما هنوز به صورت افکت و پس‌زمینه «صلی» است و نتوانسته به عنوان یک هنر خودش را نشان دهد. در تلویزیون این مشکل وجود دارد که هیچ وقت نتوانسته ساز را نشان دهد و اساتید برجسته موسیقی ایرانی چون در شبکه‌های رسمی تلویزیون نشان داده نشده‌اند از ذهن و فکر مردم بیرون رفته‌اند و از سویی موسیقی به عنوان یک آیتم فرهنگی و هنری در رسانه به رسمیت شناخته نشده است. در رسانه از موسیقی برای پر کردن لابه‌لای برنامه‌ها استفاده می‌کنند و من این نقد را دارم که به عنوان هنرمند موسیقی ایرانی نه اینجا رسانه‌های دارم که مرا نمایندند که نه اجازه دارم که در خارج از ایران با شبکه‌ای قرارداد بنویسم تا آثار من پخش شود. پس موسیقی من (یا همین موسیقی اصیل ایرانی) چگونه باید در دنیای رسانه تبلیغ شود؟

■ **اوضاع کنسرت هم که اصلاً خوب نیست…**
بله و این عملاً و به‌طور غیرمستقیم کوبیدن موسیقی هنری و زنده نگه داشتن همان موسیقی‌ای است که آقایان قبول ندارند. شما الان اهم می‌بینید که صدا و سیما هیچ نوع سیاستی در زمینه موسیقی ندارد. تلویزیون که اصلاً موسیقی پخش نمی‌کند و مدیریت موسیقی در سازمان صدا و سیما یک مدیریت از هم پاشیده است. این‌ها مجموعه چیزهایی است که لحظه به لحظه به ضرر موسیقی هنری ما تمام می‌شود.

■ **وضعیت موسیقی بی‌کلام را چگونه می‌بینید؟**
موسیقی بی‌کلام ساخته می‌شود اما بازار ندارد.

■ **چرا؟ آیا به علت کیفیت کارهاست؟**

ما آهنگساز مولف خیلی کم داریم. آهنگسازی یک رشته پردرستر و سخت است. ممکن است یک نفر موسیقیدان یا نوازنده خوبی باشد و ذوق ملودی‌سازی هم داشته باشد. اما آهنگسازی عناصر خاصی را می‌طلبد. خیلی آهنگسازان هستند که موسیقی با کلام کار می‌کنند و اگر از شما بپوهندند که دو تا از کارهایش را بخوانید یادتان نمی‌آید اما به نظرتان ایشان آهنگساز خوبی است. آهنگساز باید بتواند ملودیش را طوری به گوش مردم نشاناند که همه آن را زمزمه کنند.

■ **سیستم پخش چقدر می‌تواند در معرفی موسیقی مؤثر باشد؟**

ما در ایران همیشه از نظر پخش موسیقی دچار مشکل بوده‌ایم و به نظر من سیستم پخش موسیقی ما متعلق به دهه ۴۰ است. در ایران فروشگاهی نیست که آثار صوتی را به عنوان مرجع، برای یک موسیقیدان یا محقق موسیقی عرضه کند.

■ **آیا این به علت عدم اجرای قانون‌گهی‌رایت در ایران نیست؟**

بله، یکی به علت قانون کپی‌رایت و دوم وجود شبکه‌های درست پخش موسیقی در خارج از ایران است. مثلاً اچ‌ام‌وی در تمام دنیا مثل مک‌دونالد شعبه دارد و اچ‌ام‌وی در آکسفورد استریت که یکی از گران‌ترین نقاط دنیاست، یک ساختمان هشت طبقه دارد که صدها هزار سی‌دی در آن موجود است. وجود چنین شبکه‌هایی بسیار لازم است.

■ **هنر و موسیقی در مملکت ما هنوز با اقتصاد گره نخورده و هنوز در فضاهای عرفانی و درویشی خودش است.**

■ **بسته بودن فضای پخش، اجرا و از طرفی صدا و سیما چقدر در اینکه ما آهنگسازان مولف نداریم تأثیر دارد؟**

صداصدت تأثیر دارد وقتی فضای تولید اثر باز باشد و این تولید اثر به رقابت جدی برسد قطعاً خلاقیت هنرمندها شکوفایی‌شود.

فوت‌بالیست‌ها را ببینید، با خودشان که نمی‌توانند بازی کنند. هنر هم در دنیای امروز به همین شکل است. این ارتباطات بین هنرمندان باید وجود داشته باشد. رسانه ملی باید در زمینه موسیقی ستارسازی کند و باید برود سراغ برجستگان موسیقی و آنها را در سطح ملی و بین‌المللی خیلی خوب معرفی کند.

من نمی‌فهمم چرا وقتی من یک سی‌دی بیرون می‌دهم و تهیه‌کننده من از صدا و سیما می‌خواهد آن را تبلیغ کند، صدا و سیما می‌گوید ما حق نداریم سی‌دی موسیقی تبلیغ کنیم. یعنی اثر من هنرمند که این همه روی آن زحمت کشیده‌ام، اجازه تبلیغ ندارد! اما انواع چیپس و… تبلیغ می‌شود چه فرقی می‌کند مگر. آن یک کالای تجاری است و این یک کالای فرهنگی است. صدا و سیما به عنوان یک رسانه ملی حق ندارد بگوید نه. رسانه باید موسیقی درست را تبلیغ کند و پولش را هم بگیرد. همان وقتی را که برای پفک نمکی می‌گذارد باید برای یک اثر هنری هم بگذارد. ما در همه‌جا دچار همه‌های شدیم که به قول معروف صاحب‌دلی باید پیدا شود و من این گروه‌ای درهم تنیده شده را باز کند و این از عهده من هنرمند خارج است و فقط با یک مدیریت جدی هنری امکان‌پذیراست.

ما در عصر دیجیتال زندگی می‌کنیم عصری که شاید در چند سالال آینده هرکسی تلویزیون شخصی خودش را داشته باشد. بنابراین در این شرایط چیزی به عنوان رسانه ملی هویتش زیر سوال خواهد رفت و باید از الان برای آینده برنامه‌ریزی کرد.

■ **آن موسیقی که الان موسیقی روز شده و آنبوه جامعه مخاطبش است، چگونه توانسته به این نقطه برسد؟**

چون رسانه دارد. از پشت مرزها رسانه دارد و شبانه‌روز در خانه‌های مردم خودش را نشان می‌دهد و یکی ایرانی اگر ماهواره داشته باشد از استرالیا گرفته تا روستاهای اطراف سیستان و بلوچستان این موسیقی را می‌بیند.

اما آیا آقای شجریان یا من را می‌بینند؟ قطعاً نه، پس ما چگونه می‌توانیم به یک جمعیت میلیونی برسیم، وقتی میانپوزر داریم.

■ **شما کتابی ترجمه کرده‌اید به عنوان «تفکر پست‌مدرن و موسیقی پست‌مدرن» فکر می‌کنم ترجمه چنین متونی برای ما که در فقر تألیفات تخصصی موسیقی هستیم غنیمت است؟**

اشتباهی که در برداشت از مفهوم «موسیقی پست‌مدرن» وجود دارد این است که عده‌ای فکر می‌کنند موسیقی پست‌مدرن گذر از مدرنیته است، حالی که تفکر «تفکر پست‌مدرن» انتقاد از مدرنیته است، یعنی خیلی از پست‌مدرنیست‌ها در موسیقی رجعت به گذشته داشته‌اند و ایده‌هایی از موسیقی دوره باروک و رنسانس را در موسیقی‌شان باز تولید کردند، یا حتی بدنبال موسیقی فولکلور رفتند، مثل دپوسی، پارتوک و… چون من به پارتوک عشق می‌ورزم و او را به عنوان یک موسیقیدان پست‌مدرن می‌شناسم. اساس کار پارتوک روی موسیقی فولکلور است. مباحثی که در این کتاب مطرح شده بسیار خوب بوده و قرار است دانشکده صدا و سیما آن را چاپ کند.

■ **از آلبوم جدیدتان بگویید. گویا به زودی وارد بازار می‌شود.**

آهنگ‌های آلبوم «سایه دوست» را از یک سال و نیم پیش نوشته بودم و مجموعه‌است از اشعار حافظ، انبیاچ (سایه)، مرحوم مهرداد اوستا و ترانه‌ای که من نوشته بودم و آقای کاکایی آن را با غزلی از مرحوم امام(ره) تلفیق کردند و اولین تجربه‌ای بود که آهنگسازی و تنظیم آلبوم را خودم انجام دادم و سعی کردم در تنظیم، بیشتر فضا شرقی باشد. من در سلاا تصنیف به رون بودن ملودی خیلی اعتقاد دارم.

■ **آیا فضای این آلبوم‌تان به موسیقی اصیل سنتی هم نزدیک‌است؟**

آهنگ‌هایی که می‌توانم ردیف‌ها را عایت کنم. **شعرهایی که استفاده کردید قبلاً خواننده نشده؟**
چرا، مثلاً راهی بزن که آهی… را از حافظ انتخاب کردم و ملودی آن یک فضای هندی دارد. من در لندن افتخار داشتم با پروفسور جان بیلی کار کنم. او یکی از نخبگان موسیقی شرق بودند و خیلی در زمینه موسیقی هند و افغانستان با من کار کرد. کار بعدی من کولازی است از بازسازی آهنگ‌های افغانی که سال‌ها در ذهن من بوده‌است. این خط جاده ایریشم برای موسیقیدان‌های امروز اقیانوسی است که باید از آن استفاده کنیم. درست است که من موسیقی غربی را می‌شناسم اما یک موسیقیدان شرقی هستم و قطعاً باید فضاهای شرقی را به کار ببرم و از موسیقی غربی‌وام‌هایی بگیرم.

نوانس

نگاهی به آثار و زندگی بزرگ‌ترین سازنده ویلن بانوی ایتالیایی برای ژاپن رنجیده

علیرضا امیرحاجبی



■ پس از فاجعه تاسف‌برانگیز و تکان دهنده زلزله و سونامی در ژاپن و فوکوشیما بسیاری از نهادهای جهانی و ژاپنی دست به کار شدند تا با کمک‌های مالی خود گوشه‌هایی از این جراثت عمیق بشری را التیام بخشند. در یکی از این اقدامات بنیاد موسیقی ژاپن یکی از ارزشمندترین ویلن‌های ساخت دست آنتونیو استرادی واری (stradivari) ویلن‌ساز بزرگ ایتالیایی را به حراج گذاشت. این ویلن یکی از ۱۹ ویلن استرادی واری بود که به بنیاد موسیقی ژاپن تعلق داشت. قیمت نهایی ویلن استرادی واری که به لیدی بلات (Lady Blant) مشهور است به رقمی بالغ بر ۱۵ میلیون و ۹۰۰ هزار دلار (۹۸۰۰۰ پوند) رسید که در نوع خود بی‌نظیر است. کاروکو شیومی مدیرعامل بنیاد موسیقی ژاپن در این زمینه می‌گوید: «این ویلن برای ژاپن ما و گنجینه سازها ما بسیار مهم است ولی مهم‌تر از آن مردم ژاپن هستند که رنجی غیرقابل وصف را تحمل می‌کنند، ما از هر راهی باید به کشورمان کمک کنیم. ویلن لیدی بلات در سال ۱۷۲۱ توسط استرادی واری ساخته شده است. این ساز نفیس به مدت ۳۰ سال از آن نوه لرد باپرون شاعر، نویسنده و اندیشمند بزرگ «آنت بلات» بوده است. استرادی واری بیش از ۶۰۰ ساز موسیقی را طراحی و ساخته است که اکثر این سازها در گنجینه‌های خصوصی نگهداری می‌شود. ویلن «ان‌بلات» در سال ۱۹۷۰ توسط حراج سباتی به قیمت ۸۴ هزار پوند فروخته شد.

آنتونیو استرادی واری متولد ۱۶۴۴ در سرونای ایتالیاشاخص‌ترین چهره هنر ساخت‌ادوات موسیقی از جمله ویلن، ویلن سل، گیتار لوت و هارپ است، وی از حدود ۱۴ سالگی تحت نظر نیکولو آماتی با فنون و رازموز ساخت ویلن آشنا شد اما خیلی زود با ارایه و طراحی قالب‌های جدیدی برای ساخت ویلن از آماتی پیشی گرفت. استرادی واری با کوچک‌تر کردن قالب و تغییر دادن برخی از اجزای درون جعبه صدا قصد داشت تا صدای ویلن را شفاف‌تر و پرقدتر کند. پس از مرگ آماتی، استرادی واری با شدت و قدرت بیشتری کار و طراحی‌هایش را ادامه داد و در این زمینه کارهای دوران میانی فعالیت او بر مدار تجربه‌گرایی می‌چرخید.

از اوایل سال ۱۶۹۰ آنتونیو تمامی روش‌ها و

طرح‌های قبلی خود را تغییر داد. این کار شجاعانه‌ای بود. مرحله‌ای حساس اصلی بدنه ویلن بود. استرادی واری مجدداً طرح‌های قبلی خود

به طرح‌ریزی قالب بزرگ‌تر ویلن روی آورده بود. همچنین رنگ ویلن‌هایش تیره‌تر شده بود. این نوع ساخت حدود ۹ سال طول کشید و مجموعه لانگ (Long) حاصل این سال‌هاست. ذهن آنتونیو مرتب و به مانند عقربه ساعت در چرخش بود و مصداق این چرخش‌ها را بعد کردن قالب‌های لانگ است. درخشش و شکوه دست‌سازهای اس‌ترادی واری به نظر بسیاری از کارشناسان بین سال‌های ۱۷۰۰ تا ۱۷۲۰ است. سال‌های طلایی موسیقی ایتالیا به اوج خود رسیده بود. آنتونیو و یواله نامدارترین آهنگساز باروک زمین‌تین کنسرتوها را برای ویلن و ارکستر در همین سال تصنیف کرد. سال ۱۷۲۵ کنسرتو چهار فصل توسط وی ساخته شد که تا به امروز از جمله درخشان‌ترین و زیباترین کنسرتوهای جهان قلمداد می‌شود و همچنین ارکانجولو کرولی (corelli) آهنگساز و نوازنده برجسته ایتالیایی که مکتب و سبک نوینی در نوازندگی ویلن بنیان نهاد، برای نخستین‌بار تکنیک نواختن همزمان دونت را روی این ساز

بلاغ و پیشنهاد کرد. به این شکل پیوندی عمیق و منطقی بین سازندگان بزرگی چون استرادی واری و نیکولا آماتی و جوزپه دل جیسو با آهنگسازان و نوازندگان دوران باروک پدید آمد. پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که درخشش هر آهنگساز و نوازنده‌ای به عواملی خارجی نمی‌بستگی دارد و یکی از آنها حضور سازندگان سازهایی است که با توجه به نیازها و تحولات فنی و تئوریک آهنگسازی و در پی آن نواندگی، دست به ساخت معنوی خود را به خوبی حفظ کرده‌اند و بسیاری از نوازندگان چیردست مانند یوویوها نوازنده ویلن سل، جولیان لوید وبر، ماستینسلو روستروپوچ و یژاک پول من، یهودی موهنبن نوازنده افسانه‌ای ویلن قدرت و تسلط خود را با سازهای استرادی واری به نمایش می‌گذارند.

تصحیح و پوزش

■ در یادداشت سه‌شنبه هفته گذشته، نام آهنگساز مدرن فرانسوی پییریوتز اشتیها چاپ شده بود که به این وسیله از خوانندگان محترم پوزش می‌طلبیم.